

حاجی بابای اصفهانی *

الف) میرزا حبیب اصفهانی

از پیشگامان تحوّل در نثر و ترجمه فارسی. ترجمه کتابهای حاجی بابای اصفهانی، ژیل بلاس و مردم گریز به قلم او، در زمره شاهکارهای نثر فارسی معاصر است. او در عین حال شاعر (متخلص به داستان)، ادیب، از پیشگامان تألیف نخستین دستوره‌های زبان فارسی و از دگراندیشان تبعیدی عصر قاجار بود. به لحاظ انتسابش به قریه بن، از توابع فعلی چهارمحال و بختیاری، از سوی برخی از افراد محلی «میرزا حبیب بنی» و «میرزا حبیب داستان بنی» نامیده شده است، که البته ضبط نام وی به این شکل در متون قاجاری و بعد از آن سابقه ندارد. به سبب اقامت طولانی در استانبول، نزد ترکها به «حبیب افندی» و «میرزا حبیب افندی» شهرت یافته و در دانشنامه‌های ترک دو مقاله درباره او زیر دو نام اخیر چاپ شده است (← دانشنامه ترک، ج ۱۰، ص ۲۶۲؛ دانشنامه اسلام بنیاد دینی ترکیه، ج ۱۴، ص ۳۷۰).

میرزا حبیب اصفهانی تا سالهای اخیر در ایران، و به طور کلی چندان شناخته شده نبود و ارزشهای ادبی و تحقیقی کار او از جنبه‌های مختلف تقریباً بکلی مغفول مانده بود. پژوهشهای محمدعلی جمالزاده و مجتبی مینوی به این کشف انجامید که حاجی بابای اصفهانی و ژیل بلاس، دو شاهکار ترجمه در زبان فارسی و از نمونه‌های درخشان تحوّل در نثر فارسی معاصر،

نمی توانسته به قلم کسی جز میرزا حبیب باشد (← ادامه مقاله؛ مینوی، ص ۳۱۲؛ آرین پور، ج ۲، ص ۴۰۲). پژوهش در تاریخ دستور زبان فارسی و اشارات جلال الدین همایی در مقاله «دستور زبان فارسی» در مقدمه لغت نامه دهخدا (ص ۱۱۰ - ۱۴۷) به پیشاهنگی میرزا حبیب در دستورنویسی گواهی داد. انتشار چند مقاله از ایرج افشار (۱۳۳۹ ش، ۱۳۴۲ ش، ۱۳۴۴ ش) درباره او، اشارات پژوهشگران دیگر در خصوص پیشگامی او در هنرهای نمایشی (از جمله ← ملک پور، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۶۵) و نیز زمینه های دیگر، مثلاً فرهنگ عامه، و سرانجام برگزاری مراسمی در بزرگداشت وی (← پایان مقاله) اندک اندک به شناخت بهتر جایگاه او در ادب معاصر فارسی کمک کرده است، هر چند که تا دیوان اشعار او و سایر نوشته های چاپ نشده اش انتشار نیابد و پژوهش های متعدد، جنبه های ناشناخته زندگی و ارزش های چندگانه آثار او را عیان نسازد، نمی توان درباره وی با قطعیت علمی سخن گفت.

میرزا حبیب اصفهانی در ۱۲۵۱ ق در خانواده ای روستایی به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش پُن به پایان برد و ظاهراً به قصد ادامه تحصیل به تهران و بغداد سفر کرد و در شهر اخیر به مدت چهار سال به تحصیل مشغول بود. از جزئیات سوانح زندگی وی در این شهر، اطلاعاتی بیش از آنچه منابع به تبعیت از هم تکرار کرده اند، در دست نیست (← خان ملک ساسانی، ص ۱۱۰ به بعد). گفته اند که در بغداد ادبیات، فقه و اصول و چند زبان آموخته و در عین حال با محفل های با بی مسلکان فراری و تبعیدی و ناراضیان سیاسی آمد و رفت داشته است (سنجابی، ص ۱۱۵) و احتمال دارد که آشنایی او با بایبان در نگرش سیاسی وی تأثیر گذاشته باشد، هر چند که در آثار منتشر شده اش نشانه ای از این گونه تأثیرها دیده نمی شود.

میرزا حبیب اصفهانی پس از بازگشتن به تهران با روشنفکران، و به ویژه با میرزا ملکم خان ناظم الدوله حشر و نشر داشته و حتی به ارتباط با محفل های ماسونی متهم شده است، گرچه تاکنون سند یا دلیل محکمی دال بر ارتباط با او با این گونه مجامع به دست نیامده است (همان، ص ۱۱۶؛ درباره ارتباط با ماسونیت ← رئیس نیا، ج ۱، ص ۲۰۲). در هر حال در تهران به لامذهبی، دهریگری و بی دینی متهم شد (حاجی پیرزاده، ص ۴۱). البته این اتهام های کلی را به همه فراماسونها، و بالاخص به میرزا ملکم خان، زده اند. قدر مسلم آنکه میرزا حبیب در سلک دگراندیشان زمان خود بود و حکومت وقت در جریان دیدگاه های انتقادی آنان قرار داشت و فعالیت های شان را زیر نظر گرفته بود. کتابچه ای در مذمت و بر ضد محمدخان سپهسالار (در گذشته ۱۲۸۴ ق) صدراعظم، مردی جاهل و عامی، نوشته و وی را در آن سخت هجو کرده بودند. میرزا حبیب به اتهام نوشتن این کتابچه تحت تعقیب قرار گرفت و در ۱۲۸۳ ق از ایران نفی بلد شد (ناطق، ص ۲۷؛ بالایی؛ کوی پارس، ص ۴۲).



در دانشنامه ترک آمده است که میرزا حبیب در حالی از خاک ایران وارد خاک عثمانی شد که زخمی بود و او را دنبال می‌کردند (ص ۲۶۲). ظاهراً این مطلب در جای دیگری نیامده است. همین منبع می‌گوید که علی پاشا صدراعظم عثمانی او را به حضور پذیرفته است (همانجا) و دستور داده به وی شغلی واگذار کنند، اما قراین نشان نمی‌دهد میرزا حبیب در آن زمان، که هنوز اثری پدید نیاورده بود، از چنان شهرتی برخوردار بوده که با وی این سان رفتار کرده باشند. در واقع سوانح این بخش از زندگی او نیز کاویده شده نیست و احکام تأیید نشده نظیر اینها محل تردید است.

میرزا حبیب بازمانده عمر خود را، حدود سی سال، در استانبول گذرانید و از راه خدمت در وزارت معارف عثمانی، تدریس در معلم خانه ایرانیان و مراکز دیگر گذران کرد (حاجی پیرزاده، ص ۴۱). عثمانی در آن زمان نهضت تنظیمات را از سر گذرانده بود و شهر استانبول از فعال‌ترین شهرهای اسلامی قرن نوزدهم در اخذ تمدن اروپایی و نهادهای مدنی و از مهمترین مراکز تجمع ایرانیان دگراندیش، ناراضی و مخالف دولت، و محل انتشار جراید مختلف بود (رجایی، ص ۹۸ و بعد). جرگه‌ای از ایرانیان روشنفکر هم در استانبول تشکیل شده بود و میرزا حبیب به آن محفل، و نیز به محافل تجدد خواهان رفت و آمد داشت و از طریق آنها با فرهنگ و تمدن غربی آشنا می‌شد (آدمیت، ص ۹ و بعد؛ پیشگفتار بر حاجی بابای اصفهانی، ص ۱۸). میرزا حبیب هم

سن و سال طالبوف و حاج زین العابدین مراغه‌ای و دوست و همکار شیخ احمد روحی و میرزا آقاخان کرمانی بود، که همگی از پیشروان تجدّدخواهی بودند. ظاهراً میرزا آقاخان کرمانی مدت دو سال در منزل میرزا حبیب ساکن بوده و نوشته‌های او را به اصطلاح امروزی ویرایش می‌کرده است (← افضل الملک، مقدمه هشت بهشت؛ دولت‌آبادی، ج ۱، ص ۱۵۹؛ افشار، ۱۳۳۹ ش، ص ۴۹۷). درباره دوستی و همکاری میرزا حبیب و شیخ احمد روحی، و نیز این دو با میرزا آقاخان کرمانی، اشارات بسیار است (← افشار، همانجا). پیوندهای نزدیک میان این سه تن و آثاری که از آنان به جا مانده است، گرایشهای تجدّدخواهانه و اقبال آنان را به انواع دیگری از فعالیت‌های ادبی و پژوهشی، که به اهم آنها در میان آثار میرزا حبیب اشاره می‌شود، آشکارا نشان می‌دهد.

تأثیر تجدّدگرایانه و چشمگیر میرزا حبیب در تحوّل نثر جدید فارسی بویژه با این سه اثر نمایان است: حاجی بابای اصفهانی (برای جزئیات بیشتر ← ادامه مقاله)؛ ژیل بلاس (نوشته لُساژ^۱) و مردم گریز/گزارش مردم گریز (ترجمه منظوم، نوشته مولیر^۲). ترجمه هر سه اثر به گونه‌های مختلف دیدگاه انتقادی از وضع اجتماعی - سیاسی موجود را در میان خوانندگان دامن می‌زد و طبعاً حکومت مستبدانه حاکم بر ایران عصر قاجار و نیز حکومت خودکامه عثمانی، که در آن زمان تحرکات اجتماعی ناشی از جنبش «ترکهای جوان» را زیر قید حکومتی قرار داده بود، نمی‌توانستند با ترویج این نوع از ادبیات با دیدگاههای انتقادی آن موافق باشند. انتساب میرزا حبیب به جنبش «ترکهای جوان» می‌توانست پیامدهای پیش‌بینی نشده‌ای برای وی داشته باشد و به همین علت نام وی بر ترجمه‌ها ذکر نشده است و خطایی که ادوارد براون در تاریخ ادبیات ایران مرتکب شده و ترجمه حاجی بابای اصفهانی را به شیخ احمد روحی نسبت داده، در آثار دیگری هم تکرار شده است، و حتی در اثر دقیقی چون دایرةالمعارف فارسی، ذیل مقاله «احمد روحی»، ترجمه حاجی بابای اصفهانی و ژیل بلاس، هر دو، به شیخ احمد روحی نسبت داده شده است (مصاحب، ج ۲، ص ۶۴). مجتبی مینوی با تحقیق و تطبیق به این نکته وقوف یافت که ترجمه ژیل بلاس به قلم میرزا حبیب است، نه دکتر محمدخان کرمانشاهی، معروف به کفری (آرین‌پور، ج ۲، ص ۴۰۲)، و محمدعلی جمال‌زاده پس از سالها دقت و تأمل یقین یافت که ترجمه مردم گریز را نمی‌توان به مترجمی جز میرزا حبیب نسبت داد، و اخیراً هم بررسیهای مریم سنجابی درباره سبک کار و روش میرزا حبیب، شواهد متقن‌تری به سود فرضیه جمال‌زاده

1. Lesage's *Gil Blas*

2. Moliere's *Le Misanthrope*



● عبدالحسین آذرننگ (عکس از علی دهباشی)

به دست داده است (سنجابی، ص ۱۱۳ به بعد)؛ در ضمن مردم‌گریز ظاهراً نخستین نمایشنامه‌ای است که در ۱۲۸۶ ق از زبانی بیگانه به فارسی ترجمه شده (قانون پرور، ص ۵۲۹) و «نخستین تجربه در زمینه انتقال یک نمایشنامه فرنگی به زبان فارسی» بوده است (ملک‌پور، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۶۵).

از مقایسه این سه ترجمه، پیشگاهی میرزا حبیب در ترجمه معاصر فارسی و دستاورد او در این کار پیداست: اتخاذ روشی سنجیده و در آمیخته به ذوق هنری در ترجمه‌هایی که بنا به مورد گاه کاملاً دقیق، امین، وفادار و لفظ به لفظ و گواه تسلط چشمگیر او به زبانهای مبدأ و مقصد در ترجمه و کشف روح و حال و هوای اثر است، و گاه ترجمه آزاد، غیردقیق، اما کاملاً موفق، که نشانه چیره‌دستی او در نثر فارسی و وقوف زیرکانه به اوضاع و احوال اجتماعی - سیاسی زمان است. تسلط میرزا حبیب به چند زبان و به اصطلاحات، تعبیرها، حکایتها، ضرب‌المثلها و ظرایف زبانی و لحنی، قدرت طنز و هزل، طبع توانای شاعری و قدرت قافیه‌سازی و موزون‌تراشی و سجع‌سازی و استفاده هنرمندانه از وزن کلام و آهنگ واژه‌ها و امتیازاتی دیگر جایگاه وی را در ترجمه فارسی در مرتبه کم‌مانندی قرار داده است (خانلری، ج ۳، ص ۲۹۶؛ یوسفی، ص ۴۱ به بعد؛ امامی، ص ۴۳ به بعد؛ سنجابی، ص ۱۳۵ به بعد).

نسخه خطی ترجمه ژیل بلاس به خط میرزا آقاخان کرمانی در کتابخانه دانشگاه استانبول

موجود است (مینوی، ص ۳۱۲). ترجمه منسوب به دکتر محمدخان کرمانشاهی، معروف به کفری (← مشار) چاپ بدون تصرف همین نسخه است (مینوی، همانجا). نسخه دیگری هم از ترجمه در کرمان پیدا شده که احتمالاً باز مانده‌ای از کتابخانه میرزا آقاخان کرمانی است، و هما ناطق به نقل از محمدابراهیم باستانی پاریزی می‌گوید که وجود برخی اصطلاحات خاص کرمانی در این ترجمه، این فرضیه را قوت می‌بخشد که میرزا آقاخان کرمانی نه تنها در استنساخ که در ترجمه آن نیز با میرزا حبیب همکار بوده است (ناطق، ص ۳۳ و بعد). ناطق همچنین می‌افزاید که میرزا حبیب ژیل بلاس و مراد گریز را با همان نیت سیاسی به فارسی برگردانده که حاجی بابای اصفهانی را (همو، ص ۲۹؛ برای مشخصات چاپی ژیل بلاس ← مشار).

مردم گریز/گزارش مردم گریز، ترجمه‌ای است منظوم، سرشار از نقل اقوال از بزرگان ادب فارسی و تلمیحات ادبی که در ضمن، فارسی محاوره‌ای عصر قاجار لا به لای آن نمایان است (برای جزئیات بیشتر ← سنجابی، ص ۱۱۴ به بعد). احتمال داده‌اند که میرزا حبیب در ترجمه آن به ترجمه ترکی هم نظر داشته است، ولی مطمئناً از فرانسوی به فارسی ترجمه شده است (همو، ص ۱۱۸). این ترجمه نخستین بار در استانبول (چاپخانه تصویر افکار، ۱۸۶۹/۱۲۹۵ ق) چاپ شده، اما روی جلد نام مترجم ذکر نشده است (همو، ص ۱۱۴). مردم گریز را حلقه واسطی میان نمایشهای روحوضی سنتی و کمدهای جدید می‌دانند (ملک‌پور، ص ۱۴۹ بعد)، اثری که مضمون آن باب دندان میرزا حبیب و عرصه اعمال توانایی‌های او در استفاده از طنز، هزل، فرهنگ عامه و بازیهای زبانی و شگردهای قلمی بوده است (برای آگاهی از کم و کیف ترجمه‌های این کتاب و مشخصات چاپی آنها ← ملک‌پور، ۱۳۶۳ ش، ص ۳۲۴ به بعد).

دستور سخن (استانبول، ۱۲۸۹، ۱۷۸ ص)؛ دبستان فارسی (استانبول، ۱۳۰۸، ۱۳۵ ص)؛ خلاصه رهنمای فارسی (استانبول، ۱۳۰۹، ۹۶ ص)؛ و رهبر فارسی (استانبول، ۱۳۱۰، ۵۵ ص) کتابهایی است که میرزا حبیب درباره دستور زبان فارسی تالیف کرده است (افشار، ۱۳۴۴، ص ۱۵۵ به بعد). همایی می‌گوید او نخستین کسی است که کلمه «دستور» را برای عنوان کتابی درباره قواعد زبان فارسی به کار برده و این قواعد را از عربی جدا ساخته و قواعد دستوری فارسی را از دایره تقلید از صرف و نحو عربی بیرون برده است (ص ۱۲۶ و بعد؛ نیز نگاه کنید به: احمدی‌گیوی، ج ۱، ص ۳۰). براساس اطلاعاتی که فعلاً موجود است، می‌توان گفت که او در عین حال نخستین کسی است که اجزای کلام را در زبان فارسی بررسی و طبقه‌بندی کرده است، هر چند که خود را مبتکر این طبقه‌بندی نمی‌داند، و میرزا عبدالعظیم خان قریب از الگوی او پیروی کرده است (← صفوی، ص ۲۶ و بعد). نیز احتمال می‌رود که به لحاظ آشنایی با زبان فرانسوی، از تقسیم‌بندیهای فرنگی در طبقه‌بندی دستوری گریز برداری کرده باشد (همانجا).

کتاب حاجی بابا در اصفهان که از زبان استاد میرزا
 و از زبان وراستی بفارسی با هزار نیکه کینه حبیب
 اصفهانی با زبان عام فهم و ماضی پسند با اولادها
 معروف و مشهورتر شده است و حسن و قبح و نادر
 و مزایای آن در حواله بمولف اصلی و نسخه حاجی بابا
 لندن نسخه دیگریست که در آن ترتیب خطی است
 در این ترتیب امیرایان است بلکه ترتیب صدراعظم
 و شاهزاده آلهم درجه اول است و بعد از آن
 مشیر و غیره خواهد بود که در این کتاب
 من این از ویست با او (نسخه) آنچه در این کتاب

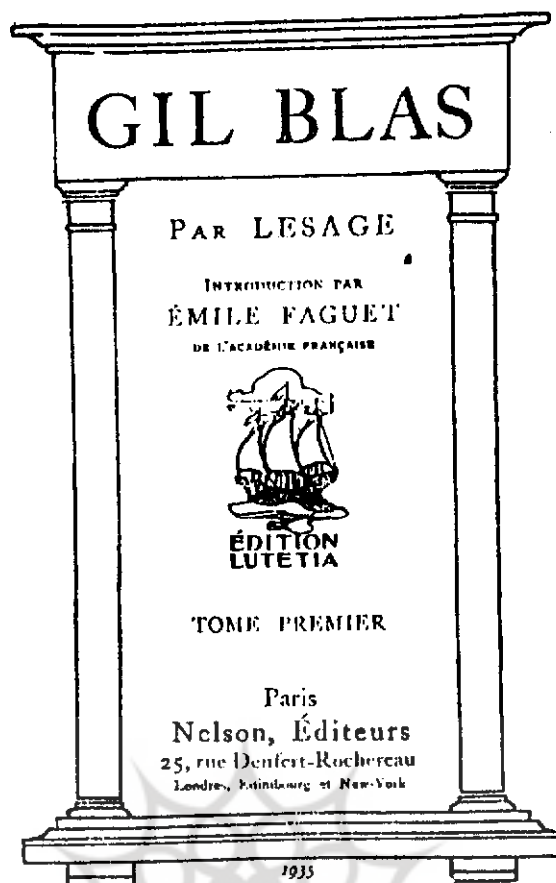
مخبر السلطنه هدایت که زبان آلمانی می دانسته است، می گوید میرزا حبیب بعضی قواعد صرف آلمانی را با فارسی تطبیق داده و این کتاب را در اصل برای آموزش زبان فارسی به وارموند آلمانی در استانبول تدارک دیده است (ص ۱۱۰). همچنین ادعا شده است که کتاب قانون قدسی (نوشته عباسقلی آقا باکیخانوف، تفلیس، ۱۲۴۷ ق / ۱۸۳۱) در دستور زبان فارسی، نزدیک به چهل سال پیش از دستور سخن تالیف شده است (رئیس‌نیا، ج ۱، ص ۵۰۴). در باب علت و انگیزه تالیف دستور فارسی، توجیه‌ها متفاوت است (برای مثال ← هدایت، همانجا؛ خان ملک ساسانی، ص ۱۱۳ و بعد؛ آرن پور، ج ۲، ص ۴۰۰؛ امین ریاحی، ص ۲۴۵)، آنچه مسلم است اینکه میرزا حبیب که به تدریس زبان فارسی اشتغال داشته، نیاز به تدوین کتابی منظم را در زمینه دستور احساس کرده است و آشنای اش با زبانهای خارجی و ذهن نوآور و تازه جویش نیز یاور او در این راه بوده است.

میرزا حبیب اصفهانی در دیباچه دستور سخن به این نکته اشاره کرده است که شماری از ادیبان و عارفان ترک نزد وی فارسی می آموخته‌اند و او در صدد بر آمده است که نه تنها قاعده‌های زبان فارسی را از طریق کتابچه‌ای به آنها بیاموزد، بلکه راههای کاربرد واژه‌های عربی در فارسی و مأخوذ از عربی را به آنها آموزش دهد (← دیباچه). در هر حال چه پیشگامی میرزا حبیب در تدوین نخستین دستورهای زبان فارسی اثبات شود و چه نشود، سهم او در تکوین این

بحث و حق تقدّم او قابل انکار نیست. در ضمن دبستان فارسی و دو کتاب دستوری دیگر او، ساده‌تر و مختصرتر از دستور سخن و برای کاربردهای متفاوت، از جمله آموزش دستور به شاگردان مدارس، تدوین شده است.

آثار میرزا حبیب را می‌توان مجموعاً به دو دسته عمده چاپ شده و نشده تقسیم کرد. از جمله نوشته‌های چاپ نشده وی دیوان غزلیات و هجویاتی است که به خط خود اوست و با مقدمه کوتاهی در احوال وی همراه است. این مجموعه، که به لحاظ استهجان و رکاکت و بی‌پروایی در کاربرد واژه‌ها و تعابیر تاکنون امکان انتشار نیافته است، در استانبول به صورت خطی نگاهداری می‌شود (← خان ملک ساسانی، ص ۱۱۱؛ سبحانی، مدخلهای ۲۶۶، ۷۱۲ و ۱۵۱۹؛ برای نمونه‌هایی از شعرها ← مصاحبی نائینی، ج ۲، ص ۷۳۵ - ۷۴۰). مجموعه شعرهای میرزا حبیب با تخلص دستان معروف است. مجتبی مینوی از آثار چاپ نشده میرزا حبیب و محفوظ در کتابخانه دانشگاه استانبول عکس تهیه کرده است (← دانش پژوه، ج ۲، ص ۱۹۶؛ ج ۳، ص ۵۰). از آثار چاپ شده او خط و خطاطان (استانبول، ۱۳۰۶، ۲۸۵ ص، به ترکی عثمانی؛ ترجمه فارسی با عنوان تذکره خط و خطاطان، تهران، ۱۳۶۹ ش) به ویژه در ترکیه بیشتر شهرت دارد، تا بدان حدّ که الپ ارسلان در معرف مقاله «حبیب افندی»، اشتهار اصلی وی را به لحاظ تالیف این کتاب دانسته است (ص ۳۷۰). این کتاب، تاریخ و راهنمای شناختن خطوط، به ویژه خط نستعلیق، و شرح احوال خطاطان بزرگ در قرون نخستین اسلامی، اعم از عرب و عجم و خوشنویسان عثمانی است. در ترکیه بر بخش خطاطان عثمانی این کتاب تاکید ویژه کرده‌اند (← همانجا؛ خان ملک ساسانی، ص ۱۱۷؛ مقدمه ترجمه فارسی، ص ۷). غرائب عوائد ملل (استانبول، مطبعه اختر، ۱۳۰۳، ۲۶۰ ص) اثری است تألیفی و ترجمه‌ای به زبان فارسی در وصف عادات و رسوم و خلیقات ملتها. ظاهراً هدف از تدوین این کتاب آشنا ساختن ایرانیان با تمدن جدید غرب و عقب‌نماندن از ترکان عثمانی بوده است (خان ملک ساسانی، ص ۱۱۶؛ افشار، ۱۳۴۲ ش، ص ۸۰ به بعد). دیوان اطعمه (سروده ابوالقاسم حلاج شیرازی، استانبول، ۱۳۰۲)؛ دیوان البسه (سروده نظام الدین محمود قاری یزدی، استانبول، ۱۳۰۳ ق)؛ منتخبات عبید زاکانی (با مقدمه فرانسوی از فرنه، استانبول، ۱۳۰۳ ق) از جمله کتابهایی است که تصحیح کرده است و به دیوان البسه و اطعمه دو واژه‌نامه در پایان کتاب برای بازیابی واژگان افزوده است. از آثار دیگر او می‌توان از برگ سبز (استانبول، ۱۳۰۴، در تعلیم زبان فارسی)؛ منتخبات گلستان سعدی (استانبول، ۱۳۰۹) یاد کرد.

میرزا حبیب از پیشگامان کاربرد شیوه‌های نوین پژوهش در قلمرو ادبیات فارسی است (افشار، ۱۳۳۹، ص ۴۹۱). گذشته از تسلط بی‌مانند در نگارش نثر فارسی، در سرودن شعر،



ساختن نظم و کاربرد فنون، صنایع، طرائف و ظرایف ادبی چیره دست است، هر چند در مرتبه شاعران درجه یک قرار نمی‌گیرد (دانش، ص ۲۷؛ برای آشنایی با درجه تسلط او بر شعر ← مصاحب نائینی، همانجا). نزدیک به پنجاه غزل حافظ را به شیوه عبید زاکانی تضمین کرده است و چکامه‌های نوروزی بسیاری سروده که در شماره‌های مختلف روزنامه اختر چاپ شده است. در اواخر عمر در مدح ناصرالدین شاه و معین‌الملک سفیر ایران در باب عالی شعرهایی سروده است (← رئیس‌نیا، ج ۱، ص ۵۱۳ و بعد). به ترکی هم شعر می‌گفته است (الپ ارسلان، ص ۳۷۱). در طنزپردازی شیوه طنز عبید زاکانی را با لحن روایی داستان بلند و روال گزارش اجتماعی و انتقادی در آمیخته (سپانلو، ص ۳۲) و با انبوهی از اصطلاحها و تعبیرهای عامیانه، که در ضمن گواه تسلط کم مانند وی به گنجینه فرهنگ عامه است، ترکیب کرده است. ویژگی‌های سبکی میرزا حبیب در طنزپردازی، با آنکه استعداد بررسی مستقل دارد، هنوز مستقلاً مطالعه نشده است. حاجی پیرزاده در سفر به استانبول، که از نزدیک شاهد کار و زندگی وی بوده است، می‌گوید طبع او هنوز هم به لهو و شوخی میل دارد (ص ۴۱). حاجی پیرزاده این ویژگی میرزا حبیب را یادگار بازمانده جوانی او و بر اثر حشر و نشر بالامذهب‌ها و بی‌پرواها می‌داند (همانجا). نیز می‌افزاید که اصطلاحات و لغات عامیانه و گمشده و فراموش شده را که مکتوب نبوده است، با زحمت گردآوری و تدوین می‌کرده است (همانجا).

میرزا حبیب در استانبول دوبار ازدواج کرد و یکی از همسرانش چرکس بود. از این دو زن صاحب سه پسر به نامهای کمال، جمال و جلال شد. به یکی از پسران وی اشاره می‌کنند که نه تنها آثار پدر را نمی‌شناخته، بلکه زبان فارسی هم نمی‌دانسته است (حاجی پیرزاده، همانجا؛ خان ملک ساسانی، همانجا). زندگی میرزا حبیب در استانبول با فراز و فرود همراه بوده و حتی یک بار نیز وی مفضوب مقامات عثمانی قرار گرفته و مدتی کار خود را از دست داده است (آرین پور، ج ۲، ص ۳۹۵). حاجی پیرزاده زمانی میرزا حبیب را دیده که دوره آسودگی و رفاه و همنشینی با شماری از سرشناسان استانبول را می‌گذرانده است (همانجا). برخی اشارات هم از این حکایت می‌کنند که در اواخر عمر از شر و شور عصر جوانی کاملاً افتاده و با مقامات سیاسی سفارت ایران در باب عالی نشست و برخاست داشته است، و روزنامه‌اختر که میرزا حبیب هم با آن همکاری داشته، ظاهراً وسیله مناسبی برای جلب و جذب مخالفان سیاسی ایران در عثمانی بوده است (برای جزئیات بیشتر ← رئیس‌نیا، همانجا؛ آدمیت، ص ۲۳؛ سنجابی، ص ۱۴۰).

میرزا حبیب در آستانه شصت سالگی به بیماری سختی دچار شد و برای معالجه با آبهای معدنی به بورس رفت، اما مداوا نشد و در همانجا درگذشت و مدفون شد. تاریخ مرگ وی را متفاوت ذکر کرده‌اند (۱۳۱۱ ق/ ۱۸۹۳ و ۱۳۱۲ ق/ ۱۸۹۴، ← الپ ارسلان، همانجا؛ دانشنامه ترک، همانجا).

کنگره بزرگداشت «میرزا حبیب دستان بنی» [میرزا حبیب اصفهانی] در مرداد ماه ۱۳۷۹ در شهرکرد برگزار شد (← توفیقی؛ زمانی پور، «درآمد»). ایرج افشار طی یادداشتی به تغییر نام میرزا حبیب و به نقض اصول در تغییر دادن بی‌مورد نام مشاهیری چون میرزا حبیب اصفهانی اعتراض کرده است (۱۳۷۹ ش، ص ۵۸). او در این یادداشت از اطلاعات و مسموعات محلی خبر داده که برای نخستین بار درباره میرزا حبیب و در این کنگره بیان شده است، و به نسخه‌ای خطی به نام «مفتاح الفلاح» اشاره کرده که ظاهراً مورخ ۱۲۷۸ ق و به خط خود میرزا حبیب در روزگار جوانی است. تندیس هم از او در میدان آزادی قریه بن قرار داده‌اند (همانجا).

منابع.

آدمیت، فریدون، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، تهران ۱۳۴۶؛ آرین پور، یحیی، از صبا تا نیما، ج ۳، تهران ۱۳۵۴ - ج ۲؛ احمدی گیوی، حسن، دستور تاریخی فعل، تهران ۱۳۸۰، ج ۲؛ افشار، ایرج، «میرزا حبیب اصفهانی»، یغما، دوره ۱۳، ش ۱۰ (دی ۱۳۳۹): ۴۹۱ - ۴۹۷؛ همو، «آثار میرزا حبیب اصفهانی»، یغما، دوره ۱۶، ش ۱ (فروردین ۱۳۴۲): ۸۰ - ۸۲؛ همو، «میرزا حبیب اصفهانی»، در سواد و بیاض، تهران ۱۳۴۴، ص ۱۵۵ - ۱۷۷؛ همو، «تازه‌ها و پاره‌های

ایرانشناسی / ۲۳»، بخارا، ش ۱۳ و ۱۴ (مرداد - آبان ۱۳۷۹): ۴۴ - ۶۰؛ امامی، کریم، «در باب ترجمه «عام فهم و خاص پسند» حاجی بابا»، کتاب امروز، ش زمستان ۱۳۵۳، ص ۴۳ - ۵۲؛ بالایی، کریستف؛ کویی پرس، میشل. سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، ترجمه احمد کریمی حکاک، تهران ۱۳۷۸؛ جمالزاده، سید محمدعلی، برگزیده آثار، به کوشش علی دهباشی، تهران ۱۳۷۸؛ حاجی پیرزاده، «یادداشت‌هایی از سفرنامه حاجی پیرزاده»، یغما، دوره ۱۳، ش ۱ (فروردین ۱۳۳۹): ۳۶ - ۴۲؛ حبیب اصفهانی، میرزا، تذکره خط و خطاطان، ترجمه رحیم چاوش اکبری، تهران ۱۳۴۹؛ خان ملک ساسانی، «شرح حال میرزا حبیب اصفهانی»، ارمغان، دوره ۱۰، ش ۲ و ۳ (اردی بهشت - خرداد ۱۳۰۸): ۱۱۰ - ۱۲۰؛ دانش، حسین، ایوان مداین و قصیده خاقانی، برلین ۱۳۰۲؛ دانش‌پژوه، محمدتقی، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی...، تهران ۱۳۴۸ همو، ج ۲ و ج ۳؛ رجایی، عبدالمهدی، «نقد روزنامه اختر»، رسانه، دوره ۱۱، ش ۳ (پاییز ۱۳۷۹): ۹۸ - ۱۰۹؛ ریاحی، محمدامین، زیان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، تهران ۱۳۶۹؛ رئیس‌نیا، رحیم، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، تهران ۱۳۷۴، ج ۳؛ سبحانی، توفیق؛ آق‌سو، حسام‌الدین، فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، تهران ۱۳۷۴؛ سپانلو محمدعلی، نویسندگان پیشرو ایران از مشروطیت تا ۱۳۵۰، ج ۴، تهران ۱۳۷۱؛ سنجابی، مریم، «دریاره نمایشنامه مردم گریز»، در: میرزا حبیب دستان بنی در آینه پژوهش، به کوشش حبیب الله توفیقی و بابک زمانی‌پور، شهر کرد ۱۳۷۹، ص ۱۱۱ - ۱۴۸؛ صفوی، کورش، «پشگفتار مترجم»، در: دیونوسیوس تراکس، فن دستور، ترجمه کورش صفوی، تهران ۱۳۷۷؛ مشار، خانابا، فهرست کتابهای چاپی فارسی از آغاز تا ۱۳۴۵، تهران ۱۳۵۲؛ مصاحب، غلامحسین (سرپرست)، دایرةالمعارف فارسی، تهران ۱۳۴۵ همو، ج ۱؛ مصاحبی نائینی، محمدعلی (عبرت)، تذکره مدینه الادب، تهران ۱۳۷۶، ج ۳؛ ملک‌پور، جمشید، ادبیات نمایشی در ایران، تهران ۱۳۶۳؛ همو، «گزارش مردم گریز در ترجمه میرزا حبیب اصفهانی»، در: میرزا حبیب دستان نبی در آینه پژوهش، ص ۱۴۹ - ۱۷۲؛ مینوی، مجتبی، پانزده گفتار، ج ۳، تهران ۱۳۶۷؛ ناتل خانلری، پرویز، هفتاد سخن، تهران ۱۳۶۷ - ۱۳۷۰، ج ۴؛ ناطق، هما، «حاجی موریه و قصه استعمار»، کتاب الفبا، ش ۴، تهران ۱۳۵۳، ص ۲۲ - ۴۹؛ هدایت، مهدیقلی، خاطرات و خطرات، ج ۲، تهران ۱۳۴۴؛ همایی، جلال‌الدین، «دستور زبان فارسی»، در: دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران ۱۳۷۷، ص ۱۱۰ - ۱۴۷؛ یوسفی، غلامحسین، یادداشتها: مجموعه مقالات، تهران ۱۳۸۰؛

«Habib Efendi», in: *TA*, Vol. 10; Alparsalan, Ali, «Habib Efendi», in: *TDVIA*, Vol. 14, pp. 370 - 1; Ghanoonparvar, M. R., «Drama», in: *IR*, Vol. VII, PP. 529 -- 535.

ب) حاجی بابا اصفهانی

اثر جیمز موریه انگلیسی، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، حکایتی انتقادی و هجوآلود از اوضاع ایران در عصر فتحعلی شاه قاجار؛ نیز معروف به «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» و «سرگذشت حاجی بابا». ترجمه دیگری از این کتاب، به قلم میرزا اسدالله شکوت الوزاره، در هند انتشار یافته که با عناوین «سوانح عمری حاجی بابا» و «سوانح عمری حاجی بابای عجم اصفهانی» معروف است (در این باره ← ادامه مقاله). کتاب حاجی بابا، که به لحاظ ترجمه ممتاز و هنرمندانه آن به فارسی در زمره شاهکارهای ادبی و نثری تاریخ ادب معاصر ایران به شمار می‌رود، در عین حال از بحث انگیزترین آثار نیز هست، زیرا بحثهای بی‌پایانی که درباره نویسنده حقیقی کتاب از زمان نخستین انتشار آن آغاز شده است، و همچنین درباره غرض واقعی او، دلیل انتخاب نام حاجی بابا برای عنوان، تاکنون به نتایج قطعی نیانجامیده است و انتظار می‌رود بحث درباره جنبه‌های مختلف این اثر، به منزله بحث مفتوح تاریخی و ادبی، ادامه بیابد. درباره مترجم واقعی کتاب تا مدتها بحثهای زیادی در جریان بود (← ادامه مقاله) و نیز بحث در خصوص ترجمه فارسی و ارزشهای آن و همکاران احتمالی مترجم را باید بحثی دایر تعلق کرد.

جیمز جاستینین موریر^۱ (۱۷۸۰ - ۱۸۴۹)، در ایران معروف به جیمز موریه، که نزدیک به شش سال در زمان حکومت فتحعلی شاه قاجار (حک: ۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ ق) و به عنوان یکی از اعضای سفارت انگلیس، در ایران اقامت داشته است، ظاهراً در کنار مأموریت‌های سیاسی به مشاهدات مردم شناختی دست زده و با استفاده از اطلاعات وسیعی که درباره اوضاع ایران و احوال ایرانیان به دست آورده، حکایتی را در قالب طنز، هجو، هزل و نوعی انتقاد اجتماعی - سیاسی پرورانده و در ۱۸۴۲/ ۱۲۳۹ ق با عنوان *The Adventures of Hajji Baba of Isphahan* در لندن انتشار داده است. جز این، دو سفرنامه هم درباره ایران، ارمنستان و آسیای صغیر نوشته و منتشر کرده است که از جمله سفرنامه‌های با اهمیت خارجیان در عصر قاجاریه است (برای آگاهی بیشتر ← مقاله موریه، جیمز، در: *دانشنامه جهان اسلام*). اما تسلط کم نظیری که موریه در توصیف ظرایف و دقایق جامعه ایران آن روزگار از خود نشان داده این فرضیه را پیش کشیده است که این کتاب نمی‌تواند به قلم او باشد و ممکن است ویرایش یا ترجمه متنی فارسی بوده، یا ایرانی صاحب قلم و دقیق‌النظری با او همکاری داشته است؛ به ویژه آنکه در مقدمه موریه بر کتاب، این گونه وانمود شده است که نسخه‌ای خطی حاوی سرگذشت حاجی بابا به دست وی افتاده است و او برای وقوف به احوال و عادات آسیایان به نشر آن اقدام می‌کند (موریه،

سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، ۱۲۷۸ ش، ص ۴۵ - ۵۷: «صورت کاغذی که سیاح انگلیسی به کشیش سفارت اسوج [= سوئد] در استانبول نوشته است». برای بحثهای فنی تر در این باره ← جوادی؛ مشیری؛ ناطق؛ و کروتکوف^۱ در منابع مقاله).

مجتبی مینوی به جد معتقد است که موریه نمی تواند نویسنده اصلی حاجی بابا باشد (برای دلایل ← مینوی، ص ۲۹۶ و بعد). نویسنده مقاله «حاجی بابا» در دایرةالمعارف فارسی هم تقریباً چنین نظری دارد و موریه را مترجم کتاب از فارسی به انگلیسی می داند (مصاحب، ج ۱، ص ۸۲۵، ذیل مدخل). پرویز ناتل خانلری هم تردید دارد که موریه نویسنده کتاب باشد (ناتل خانلری، ص ۱۴۵)، اما سید محمد علی جمالزاده که به کتاب حاجی بابا و ترجمه فارسی آن علاقه خاص داشته و در این باره تأمل و تفحص بسیاری کرده است، خلاف آن دو، بر این باور است که نویسنده کتاب کسی جز جیمز موریه نمی تواند باشد، و چندین دلیل در اثبات مدعای خود و در رد نظر مخالفان ذکر کرده است (← جمالزاده، ۱۳۷۸، ص ۵۹۸ و بعد؛ نامه جمالزاده در: مشیری، ص ۶۴).

کتاب، سرگذشت پرماجرای یک ایرانی از مردم اصفهان است که در سفر زیارتی به خراسان، اسیر ترکمانان می شود، به ترفندی از چنگ آنان می گریزد، به شهر و دیارهای مختلف سفر می کند، پیشه های گوناگون در پیش می گیرد، به کسوت صاحبان حرف مختلف در می آید، به اعماق جامعه می رود و این ماجراها را با طنز و هزل و هجو در می آمیزد و فقر و ادبار جامعه، ضعفهای اخلاقی صنفهای گوناگون مردم، فساد و تباهی اجتماع، دیانت ریایی و مذهب دروغین، سالوس و نیرنگ سیاستمداران، فساد دیوانیان، عیبهای کوچک و بزرگ عاملان و مأموران، طبقات جامعه از شریف و وضع، مقامات کشور از صدر تا ذیل را برمی شمارد و وصف می کند و خلاصه اخلاق و اطوار و احوال ایرانیان آن عصر را بی محابا به باد انتقاد و سخره می گیرد و از هیچ نیش و طعنی در حق طبقات مختلف ملت فروگذار نمی کند (← سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، مواضع و حکایتهای مختلف)، و در این راه تا آنجا پیش می رود، یا به گمان عده ای دامنه انتقاد را به حدی از زیاده روی بسط می دهد که هیچ معیار و ارزشی از نیش نقد او مصون نمی ماند، و از این روست که نویسنده کتاب را غرض ورز، بدخواه و به شدت مخالف ایران و ایرانیان شمرده اند (از جمله ← اقبال، ص ۴۷ و بعد؛ مینوی، ص ۲۸۳).

شاید بحث در خصوص غرض واقعی موریه بی نتیجه باشد. خود او در مقدمه کتاب دیگری

به نام حاجی بابا در انگلستان^۱ (← ادامه مقاله) گفته است که هدف وی شرح اختلاف عادات ایرانیان و فرنگیان بوده است (جوادی، ش ۱، ص ۲۵ - ۲۶). از جمله منتقدان او این نکته را هم گفته‌اند که موریه به ایرانیان بی‌مهر بود و سبب آن خصومتی است که با اسلام و تعصبی که در مسیحیت داشت (همو، ص ۱۷)، یا به تعبیر عباس اقبال، کنایه‌های او به ایران و ایرانیان، حتی «ابلق از تصریح» است (اقبال، همانجا). اینکه ادوارد براون و شماری از انگلیسیان از موریه و نحوهٔ رهیافت او به ایران و ایرانیان انتقاد کرده‌اند، نیز می‌تواند تأییدی بر داوری مخالفان او باشد (آرین‌پور، ج ۲، ص ۳۹۹). با این حال، بحث دربارهٔ تأثیرهای آشکار و متفاوتی که موریه و اثر او از هر حیث باقی گذاشته است، به نتیجهٔ محصل‌تری می‌رسد تا کاوش در اغراض پنهان او. درست است که هیچ ملتی در جهان از هجو خود خوشنود نمی‌شود، اما واقعیت آن است که کتاب موریه را یکی از خود ایرانیان به هنرمندانه‌ترین صورت و به زیباترین و شیواترین بیان به فارسی ترجمه کرده است و ایرانیان آزادیخواه و مخالف استبداد از آن برای مبارزه با استبداد سیاسی، فساد اجتماعی و تباهی اخلاقی جامعه سود برده‌اند، و همین هماوایی مترجم و خوانندگان و مدافعان و مروّجان کتاب با نویسنده، نشان از آن دارد که محتویات کتاب را نمی‌توان یکسره تکذیب کرد، یا کلاً باطل دانست یا خلاف واقعیت قلمداد کرد. حتی اگر تعبیر منتقدانی را بپذیریم که حاجی بابا را از نوع ادبیات استعماری و ابزاری برای تحمیل سیاست استعماری انگلستان در ایران و توجیه اقدامات سیاسی و نظامی آن کشور در شرق، و از جمله در ایران می‌دانند (← ناطق، ص ۳۲، ۳۹)، باز هم از تأثیر کتاب در میان طرفداران آزادی و منتقدان استبداد قاجاری، و نیز تأثیر ترجمهٔ آن در نثر معاصر فارسی، چیزی کاسته نمی‌شود.

دربارهٔ عنوان کتاب به یقین نمی‌توان گفت که موریه چرا نام «حاجی بابا» را برگزیده و مقصود واقعی او از این نام چه بوده است. تحقیقات عباس اقبال و مجتبی مینوی به این نتیجه انجامیده که نام حاجی بابا از نام حاجی بابا افشار، از محصلان اعزامی به انگلستان، که گویا برخوردهایی با موریه داشته، گرفته شده است (← اقبال، همانجا؛ مینوی همانجا؛ برای احتمال دیگر ← جوادی، همانجا). رضا قلیخان هدایت در ملحقات تاریخ روضه الصفای ناصری به موریه و کتابهای او اشاره کرده و گفته است که «از سفیر ایران، یعنی میرزا ابوالحسن خان، نکایت و حکایت بسیار برنگاشته است» (ج ۹، ص ۵۳۵). هر چند که اشارهٔ رضا قلیخان هدایت به کتاب دوم موریه، یعنی حاجی بابا در انگلستان است، برقرار ساختن ارتباط مستقیم میان شخصیت اثر داستانی و شخصیت حقیقی حاضر و مؤثر در صحنهٔ سیاسی، به خودی خود از حساسیت

موضوع، شناخته بودن موریه و اثر او در آن زمان و توجه داشتن مقامات عالی حکومتی به این گونه نکات، حکایت می‌کند.

سر والتر اسکات^۱، بنیانگذار رمانهای تاریخی، حاجی بابا را ژیل بلاس^۲ (اثر لُساژ)^۳ شرق نامیده است (ناطق، ص ۳۴). اسکات، همچنین حاجی بابا را با آناستاسیس^۴، اثر تامس هوب^۵، که مدت کوتاهی پیش از حاجی بابا در لندن انتشار یافته و ماجرای رندی و قلاشی در قلمرو امپراتوری عثمانی و انتقاد از اخلاق و عادات و دین و مذهب و شیوه زندگی شرقیان است، مقایسه کرده و البته تفاوت‌هایی میان آنها قابل شده است (جوادی، ش ۱۲، ص ۱۰۲۹). این رمانها در شیوه پیکارسک^۶ نوشته شده است. در این شیوه، که از نام پیکارو^۷، قهرمان ماجراجو، رند، قلاش و مفسده‌جو گرفته شده است، تصویری زنده، انتقادی و همراه با ماجراهای سرگرم کننده و در عین حال پر از نیش و کنایه، به خواننده داده می‌شد که در دوره‌ای از قرن نوزدهم در میان رمان خوانان غربی طرفداران زیادی داشت (جوادی، ش ۱۲، ص ۱۰۲۸؛ ش ۱، ص ۲۶). موریه خود گفته است که طرح حاجی بابا به تقلید از ژیل بلاس بوده است، اما به رغم این، منتقدان در عین آنکه شباهت‌های میان این دو اثر را انکار نکرده‌اند، حاجی بابا را اقتباس آشکاری از قصه‌های هزار و یک شب دانسته‌اند (پیشگفتار ناشر بر سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، ۱۳۷۸ ش). شباهت میان عنوان گفتارها و رفتار قهرمانان هر دو داستان، سیر حوادث و حتی بعضی حکایت‌های حاجی بابا را رونویسی و اقتباس ناجوانمردانه‌ای از برخی قصه‌های هزار و یک شب دانسته‌اند (ناطق، ص ۳۵). حکایت‌های جداگانه، اما در عین حال به هم پیوسته حاجی بابا، دخالت عامل بخت، معجزه و تصادف‌های عجیب و غریب و نامنتظر، فضایی هزار و یک شبی را عملاً بر حاجی بابا حاکم کرده است (پیشگفتار ناشر؛ برای جزئیات فنی ساختار حاجی بابا و بحث‌های فنی دیگر ← بالایی، ص ۱۲۷).

بین زمان انتشار متن حاجی بابا و ترجمه آن به قلم میرزا حبیب اصفهانی، نزدیک به هشتاد سال فاصله است. احتمال می‌رود ترجمه حاجی بابا در ۱۳۰۳ ق پایان یافته باشد (پیشگفتار ناشر، ص ۱۹). این ترجمه، که آن را در مرتبه آفرینش ادبی، شیرین‌تر، ادیبانه‌تر و طنزآمیزتر از اصل، و از حیث سبک و اندیشه، بسیار والاتر از متن انگلیسی دانسته‌اند (← بالایی، ص ۱۲۶)

1. Walter Scott

2. Gil Blas

3. Lesage

4. Anastasy ?

5. Thomas Hopp

6. Picaresque

7. Picaro

تا مدتهای مدید به افراد مختلفی، از جمله شیخ احمد روحی و میرزا آقاخان کرمانی نسبت داده می‌شد. خطایی که ادوارد براون کرده بود (ج ۱۴، ص ۴۱۱) و ملک الشعرای بهار در سبک‌شناسی تکرار کرد (ج ۳، ص ۳۶۶)، سبب شد که ترجمه را به شیخ احمد روحی نسبت دهند، اما کشف نامه‌ای از شیخ احمد روحی، که در میان اوراق ادوارد براون در کتابخانه کمبریج نگاهداری می‌شد و در آنجا صراحتاً ذکر شده است که «ادیب فاضل آقا میرزا حبیب اصفهانی کتاب حاجی بابا را از لغت فرانسوی ترجمه کرده است» (جمالزاده، ۱۳۷۸ ش، ص ۶۰۶)، تذکر حاجی پیرزاده در سفرنامه‌اش با این عنوان که «ترجمه کتاب حاجی بابا را از فرانسه به فارسی نموده، بسیار خوب از عهده برآمده» (ص ۴۱) است، و نسخه اصلی ترجمه به خط خود میرزا حبیب که مجتبی مینوی در مجموعه کتابخانه دانشگاه استانبول بدان دست یافت و خود میرزا در مقدمه کوتاهی می‌گوید که «به اهتمام بنده کمینه حبیب اصفهانی، با زبانی عام فهم و خاص پسند... ترجمه شده» (مینوی، ص ۳۱۰؛ آرین پور، ج ۲، ص ۳۹۶) هرگونه تردیدی را در صحت انتساب ترجمه به میرزا حبیب بر طرف کرد و به بحث درباره هویت مترجم واقعی کتاب پایان داد.

نثر میرزا حبیب در ترجمه این کتاب، به اجماع نظر نویسندگان تاریخ ادبیات و منتقدان ادبی، از شاهکارهای نثر فارسی، از بهترین نثرهای دوره اخیر و از عوامل تحول نثر معاصر ایران است (بهار، همانجا؛ مینوی، ص ۲۸۳؛ ناتل خانلری، ص ۱۴۶؛ آرین پور، ج ۲، ص ۴۰۰؛ استعلامی، ص ۳۸؛ سپانلو، ص ۳۰ - ۳۱). ویژگی عمده این نثر در استواری و درخشندگی و اتکای آن به میراث ادبی گذشتگان، طراوت، عذوبت، ترکیبات و تعبیرات زیبا، سادگی و روانی، تناسب و وزن و آهنگ الفاظ، پویندگی زبان برگرفته از محاورات مردم عادی کوچه و بازار، کاربرد واژگان و اصطلاحات بجا، استفاده از شعر و ضرب‌المثل، استفاده از هنرها و صنایع ادبی و سجع سازی و قافیه پردازی و موزون تراشی، ترکیبات فراوان کاملاً تازه، و در خلاقیت زبانی و ابتکار بیانی است (جمالزاده، ۱۳۷۸، ص ۶۰۵؛ یوسفی، ۱۳۷۰، ص ۴۱ - ۴۴؛ بالایی، ص ۱۳۵ و ۱۴۶). ترجمه حاجی بابا به قلم میرزا حبیب همان قدر موفقیت آمیز قلمداد شده است که ترجمه رباعیات عمر خیام به انگلیسی به قلم ادوارد فیتز جرالده (امامی، ص ۵۱).

کریم امامی که ترجمه میرزا حبیب را با اصل انگلیسی و ترجمه‌های فرانسوی مقابله داده و در شگردهای ترجمه میرزا حبیب دقیق شده معتقد است که ترجمه فرانسوی به متن انگلیسی بسیار نزدیک است و میرزا حبیب که از روی ترجمه فرانسوی ترجمه کرده، به لفظ کتاب وفادار نمانده اما به روح کتاب وفادار مانده است، و گرچه اصول و قواعد امروزی ما را در ترجمه مراعات نکرده است، اما ترجمه‌ای موفق به دست داده است. به نظر او میرزا حبیب مطالب کتاب

را در شرایط موقعیتهای داستانی بازنویسی کرده و بسیاری از قسمتهای ترجمه را از متن انگلیسی، که یکی از بهترین نمونه‌های نثر انگلیسی است، گویاتر و شیواتر از کار در آورده است (ص ۴۴ - ۴۵ و ۵۰). و به نظر غلامحسین یوسفی، میرزا حبیب با هنر ترجمه‌اش توانسته است مفاهیم و معانی را تا اندازه‌ای تغییر دهد و از قصه‌ای که لحن استعماری دارد، «قصه‌ای ضد استعماری بیافریند» (۱۳۷۰، ص ۲۴). نکاتی که میرزا حبیب از خود بر ترجمه افزوده از چهار نوع است: سیاسی، انتقاد از عوامفریبی، انتقاد از خرافات، و ادبی، که نسبت این یکی به سه مورد دیگر بسیار کمتر است (← ناطق، ص ۲۸ - ۲۹). شعرهایی که در ترجمه آمده، عمدتاً از خود میرزا حبیب است (جمالزاده، ۱۳۶۶، ص ۱۴۶). در واقع میرزا حبیب با این گونه تصرفات در ترجمه، متن فارسی را به درجه‌ای غنا بخشیده که آن را به آینه‌ای از اوضاع سیاسی - اجتماعی و به شاهکاری نثری در روزگار خود تبدیل کرده است.

تأثیری که متن اصلی حاجی بابا و ترجمه فرانسوی آن در میان غربیان و سایر خوانندگان از ملت‌های دیگر جهان بر جای نهاده، متفاوت از تأثیر ترجمه فارسی آن است. مجتبی مینوی بر این عقیده است که پس از رباعیات خیام هیچ کتابی در زبان انگلیسی به اندازه حاجی بابا ایران و ایرانی را بر سر زبان اروپاییان نیانداخته است (مینوی، ص ۲۸۳). اگر چه این تأثیر می‌تواند تصویری منفی یا نابهنجار هم باشد، اما ترجمه فارسی آن در بیداری ایرانیان و ترغیب آنان به شرکت در نهضت مشروطه خواهی مؤثر بوده است (براون، همانجا؛ کامشاد^۱، ص ۱۷).

حاجی بابا در انگلستان؛ یا سرگذشت حاجی بابای اصفهانی در انگلستان، که در ایران به «حاجی بابا در لندن» معروفتر است، نام کتاب دیگری است که جیمز موریه چهار سال پس از انتشار حاجی بابا در ۱۸۲۸ / ۴۰ - ۱۲۳۹ ق در لندن انتشار داد که به منزله جلد دوم حاجی باباست. کُرزن^۲ می‌گوید قهرمان این کتاب همان میرزا ابوالحسن خان ایلچی است که برای مأموریتی سیاسی راهی لندن شده بود (کُرزن، ص ۳۷؛ نیز ← رضاقلی خان هدایت، همانجا). این کتاب ارزشهای حاجی بابا را ندارد و با استقبال رو به رو نشده است و تفاوت سطح ارزشهای این دو این فرضیه را پیش کشیده است که موریه جلد اول را با همکاری کسی نوشته است (پیشگفتار ناشر، ص ۱۰ و ۱۱). در حاجی بابا در لندن تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، که به رویدادهای مضحکی انجامیده، توصیف شده است. به نظر مجتبی مینوی این کتاب «بسیار بچگانه و خالی از ارزش ذوقی و ادبی است» (مینوی، ص ۳۰۹).

1. Kamshad

2. Curzon

متن فارسی حاجی بابا نخستین بار در ۱۳۲۳/۱۹۰۵ ق با مقدمه انگلیسی سرگرد فیلوت^۱ (فیلات/فلات) در کلکته و به صورت چاپ سنگی انتشار یافت و چاپ دوم آن در ۱۹۲۴/۳ - ۱۳۴۲ ق در کلکته منتشر شد. ترجمه حاجی بابا به نام شیخ احمد روحی در ۱۳۲۰ ش (تهران، پروین)، بار دیگر در ۱۳۳۰ ش (تهران، ناشر؟) و یک بار هم به نام احمد تارخ (اصفهان، ۱۳۴۰ ش) انتشار یافت (← مشار، ج ۲، ستون ۱۷۰۲ - ۱۷۰۴). ترجمه میرزا حبیب با تغییراتی در متن و مقدمه‌ای از سیدمحمدعلی جمالزاده (تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۸ ش) به صورت مصور و نفیس منتشر شده است. همین ترجمه میرزا حبیب، اما بدون تغییر در ترجمه و براساس نسخه چاپ تهران در ۱۳۳۰ ش و مقابله با چند نسخه دیگر و همراه با فرهنگ لغات و اصطلاحات به کوشش یوسف رحیم‌لو (تبریز، حقیقت، ۱۳۵۱ ش) انتشار یافته و باز همراه با چند صفحه لغات و اصطلاحات، پیشگفتار بدون امضا در هجده صفحه و ترجمه مقدمه جورج گرزن، با «ویرایش» محسن عبایی - که البته معلوم نیست مراد از ویرایش در اینجا چیست و احتمالاً مقصود باید همان اهتمام و کوشش و نظیر این باشد (تهران، مؤسسه فرهنگی - هنری الست فردا، ۱۳۷۸ ش) منتشر شده است. ترجمه میرزا اسدالله شوکت الوزاره، از انگلیسی به فارسی و با لحن ایرانیان مقیم هند، با عنوان سوانح عمری حاجی بابای عجم اصفهانی، که واجد ارزش نثری و ارزش خاص دیگری نیست، در ۱۳۲۳/۱۹۰۵ ق در بمبئی چاپ شده است.

منابع: آرین‌پور، یحیی، از صبا تا نیما، ج ۳، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۴، ج ۲؛ استعلامی، محمد، ادبیات دوره بیداری و معاصر، تهران، دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران، ۱۳۵۵؛ افشار، ایرج، «آثار میرزا حبیب اصفهانی»، یقما، دوره ۱۶، ش ۱ (فروردین ۱۳۴۲): ۸۰ - ۸۲؛ اقبال، عباس، «کتاب حاجی بابا و داستان نخستین محصلین ایرانی در فرنگ»، یادگار، دوره ۱، ش ۵ (دی ۱۳۲۳): ۲۸ - ۵۰؛ امامی، کریم، «در باب ترجمه «عام فهم و خاص پسند» حاجی بابا»، کتاب امروز، ش زمستان ۱۳۵۳، ص ۴۳ - ۵۲؛ بالائی، کریستف، پیدایش رمان فارسی، ترجمه مهوش قویمی؛ نسربین خطاط، تهران، معین - انجمن ایرانشناسی فرانسه، ۱۳۷۷؛ بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، تهران، زوار، ۱۳۵۷، ج ۲؛ براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران: از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه بهرام مقصدادی، تهران، مروارید، ۱۳۶۹؛ بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی، ج ۴، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۵، ج ۳؛ جمالزاده، سیدمحمدعلی، «باز هم درباره»

حاجی بابا، آینده، دوره ۱۳، ش ۱ - ۳ (فروردین - خرداد ۱۳۶۶): ۱۳۹ - ۱۴۶؛ همو، برگزیده آثار، به کوشش علی دهباشی، تهران، شهاب ثاقب - سخن، ۱۳۷۸؛ جوادی حسن، «بحثی درباره سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» و نویسنده آن جیمز موریه، وحید، دوره ۳، ش ۱۲ (آذر ۱۳۴۵): ۱۰۲۶ - ۱۰۳۳؛ دوره ۴، ش ۱ (دی ۱۳۴۵): ۱۷ - ۲۷؛ سپانلو، محمدعلی، نویسندگان پیشرو ایران از مشروطیت تا ۱۳۵۰، ج ۴، تهران، نگاه، ۱۳۷۱؛ کرزن، جورج، «مقدمه جورج کرزن بر متن انگلیسی حاجی بابا»، در: موریه، جیمز، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، تهران، الست فردا، ۱۳۷۷، ص ۲۶ - ۴۴؛ مشیری، علی، «مطالب جالب و مهم درباره کتاب حاجی بابا»، وحید، دوره ۱، ش ۱۲ (آذر ۱۳۴۳)؛ دوره ۲، ش ۱ (دی ۱۳۴۳): ۶۵ - ۷۲؛ مصاحب، غلامحسین (سرپرست)، دایرةالمعارف فارسی، تهران، ۱۳۴۵ - ۱۳۷۴، ج ۱، ذیل مدخل «حاجی بابا»؛ موریه، جیمز، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی، تهران، الست فردا، ۱۳۷۸؛ همو، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، به تصحیح سید محمدعلی جمالزاده، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۸؛ همو، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی در ایران، به انضمام فرهنگ لغات و اصطلاحات، به کوشش یوسف رحیم‌لو، تبریز، حقیقت، ۱۳۵۱؛ مینوی، مجتبی، پانزده گفتار، ج ۳، تهران، توس، ۱۳۶۷؛ ناتل خانلری، پرویز، «نثر فارسی در دوره اخیر»، در: نخستین کنگره نویسندگان ایران، تیر ماه ۱۳۲۵ تهران، بی‌نا، ۱۳۲۶، ص ۱۲۸ - ۱۷۵؛ ناطق، هما، «حاجی موریه و قصه استعمار»، کتاب الفبا، ش ۴، تهران، ۱۳۵۳، ص ۲۲ - ۴۹؛ هدایت، رضاقلی خان، ملحقات تاریخ روضه الصفاى ناصری، تهران، مرکزی - پیروز - خیام، ۱۳۳۹، ج ۹؛ یوسفی، غلامحسین، یادداشتها: مجموعه مقالات، تهران، سخن، ۱۳۷۰؛

Kamshad, Hasan, *Modern Persian Prose Literature*, Cambridge, Univ. Press, 1966;
Krotroff, George, «Hammer - Purgstall, Hajji Baba, and the Moriers», in: *Int. J. Middle East Studies*, Vol. 19 (1987): 103 - 108.

/عبدالحسین آذرنگ/

